

تحلیل عاملی مشکلات زنان قالیباف روستایی

سمیه لطیفی*^۱، حشمت اله سعدی^۲ و حسین شعبانعلی فمی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان، به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را مجموعه زنان قالیباف روستایی استان همدان تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها ۱۶۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران از راه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. پرسشنامه مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها در آن پژوهش است، اما در کنار پرسشنامه از روش مصاحبه نیز استفاده شده است. پرسشنامه مورد استفاده براساس پیش‌نگاشته‌های پژوهش تهیه شده و روایی آن به وسیله متخصصان فن مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق، پرسشنامه در اختیار تعدادی از زنان قالیباف قرار گرفت و نتایج آن بررسی و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۷ بدست آمد که رقم قابل قبولی است. بمنظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل عاملی استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده مشکلات زنان قالیباف روستایی در ۶ عامل دسته بندی شدند. عامل نخست که با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده مشکلات اقتصادی و مالی نام گرفت با تبیین ۱۵/۴۶ درصد از واریانس به عنوان مهم‌ترین مشکل معرفی شد. عامل نخست همراه با عوامل بهداشتی، آموزشی، اجتماعی- فرهنگی، فردی و حمایتی در مجموع ۵۰/۷۱ درصد از واریانس را تبیین نمودند. در آخر با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادهایی در جهت حل مشکلات زنان قالیباف روستایی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، قالیبافی، مشکلات، تحلیل عاملی، استان همدان.

۱- کارشناس ارشد توسعه روستایی از دانشگاه بوعلی سینا .

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینای همدان. hsaadi48@yahoo.com

۳- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران.

*- نویسنده مسئول مقاله: Somaye.latifi84@gmail.com

پیشگفتار

در این پژوهش سعی شده به بررسی مسائل و مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان پرداخته شود. بررسی‌های انجام شده در رابطه با موضوع پژوهش نشان می‌دهد، با وجود نقش با اهمیت زنان روستایی در تولید فرش دستباف و اقتصاد خانوار روستایی کم‌تر مطالعه‌ای در خصوص مسائل و مشکلات این قشر از جامعه انجام شده و به نوعی این گروه از زنان به فراموشی سپرده شده‌اند. به گونه‌ای که هم اکنون روز به روز شاهد کاهش فعالیت اقتصادی آن‌ها هستیم که نه تنها در ابعاد خرد تأثیراتی در معیشت خانوارهای روستایی دارد بلکه در سطح کلان نیز زمینه افول این صنعت و هنر دستی را فراهم می‌سازد. لذا، ضرورت دارد به مسائل و مشکلات زنان روستایی به عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان فرش دستباف بیشتر توجه شود. به بیان دیگر، بررسی و تحلیل مشکلات زنان قالیباف روستایی، بمنظور دستیابی به الگوی مناسب توانمندی آن‌ها به عنوان پایه‌های اصلی تولید فرش دستباف در کشور، از ضرورت‌های اساسی است و عدم آشنایی با مسائل و مشکلات آن‌ها از موانع اساسی در جهت بهبود وضعیت قالیبافان کشور و به تبع آن بهبود وضعیت صنعت فرش دستباف کشور می‌باشد. در این راستا، مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های زیادی در این رابطه انجام نشده و در بیش‌تر این مطالعات نیز، تنها مسائل و مشکلات بهداشتی زنان قالیباف روستایی مورد مطالعه قرار گرفته است. در حالی زنان قالیباف به ویژه در مناطق روستایی با مسائل دیگری نیز مواجه هستند که ضرورت دارد در راستای توانمندسازی آن‌ها این گونه مسائل و مشکلات نیز شناسایی شود. لذا، در این مقاله سعی شده که به سایر مسائل و مشکلات زنان قالیباف نیز پرداخته شود تا با آگاهی از مسائل و مشکلات این افراد، راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت این قشر از جامعه ارائه شود و انگیزه لازم در آن‌ها در جهت ادامه فعالیت در این صنعت به وجود آید.

مبانی نظری

در اوایل دهه ۱۹۷۰ «دیدگاه زنان در توسعه» برای بهبود وضع تحصیلات، فرصت‌های اشتغال، مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی و فردی و با توجه به این مسئله که زنان از فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی محروم بوده‌اند، بوجود آمد. این دیدگاه ارتباط نزدیکی با رویکرد فمینیستی لیبرال آمریکایی و نظریه نوسازی دارد که به شناسایی نقش زنان در فرایند توسعه می‌پردازد. از آن‌جا که این دیدگاه به ساختارهای جنسیتی موجود توجه چندانی نداشت بلکه بر فناوری تأکید کرده و به همکاری زنان در طرح‌های معمول و در دست اجرا توجه داشت، این مسئله باعث پدیدار شدن

دیدگاه «جنسیت و توسعه»^۱ در سال ۱۹۸۰ شد که بیانگر رویکرد فمینیستی - سوسیالیستی است که ارتباط میان ساختارهای خانواده و ساختارهای عمومی را بررسی می کند تا علت تمایزهای میان این دو ساختار را در مورد زنان کشف کند (Alvani & Zarghamifard, 2001).

از لحاظ خاستگاه تاریخی، طرح مساله نقش زنان در توسعه به تحولات بعد از جنگ جهانی دوم باز می گردد. از آن زمان تا کنون، رهیافت‌های متفاوتی برای تعریف محتوای برنامه های آن در مقاطع تاریخی گوناگون بیان شده است که می توان آن را در قالب پنج نظریه کلی زیر مطرح نمود:

الف - نظریه رفاه^۲

یکی از کهن‌ترین و متداول‌ترین سیاست های توسعه اجتماعی بویژه برای زنان نظریه رفاه می‌باشد. این نظریه به عنوان یک دیدگاه قدیمی بر این پیش فرض استوار است که زنان به عنوان عوامل منفعل و کم توان و بدون شرکت فعالانه در فرایند توسعه، مستحق دریافت کمک های خیریه هستند (Rezai, 2009). نظریه رفاه به طور کلی، بر مبنای سه فرضیه استوار بود:

- زنان به عنوان عوامل فاقد جنبش که شرکت فعالانه‌ای در فرایند توسعه نداشتند، بشمار می‌آمدند.
- نقش مادرانه زنان به عنوان مهم‌ترین نقش اجتماعی آن‌ها تلقی می شد.
- بچه دار شدن و تربیت بچه را مؤثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه اقتصادی می دانستند (Shabanali Fami, 1994).

ب - نظریه برابری (عدالت)^۳

بر اساس نظریه برابری علت عقب ماندگی زنان نابرابری است و برابری خود به توسعه می‌انجامد. زنان شرکت کنندگان فعال در فرایند توسعه هستند و از راه ایفای نقش های تولیدی سهم بسیار مهم و اغلب شناخته نشده ای در رشد اقتصادی کشور دارند. کافی است زنان از راه معرفی به بازار کار و استخدام همچون مردان، با امکانی برابر وارد فرایند توسعه شوند تا پتانسیل آنان امکان بروز بیش‌تری پیدا کند و از راه تبدیل آن به کار، مشکلات زنان حل شود. توجه اولیه این نظریه معطوف به عدم تساوی بین مرد و زن در حیطه زندگی فردی و اجتماعی در طبقات گوناگون اقتصادی است (Rezai, 2009). طرفداران این نظریه برای استقلال مالی زنان اهمیت زیادی قایل هستند و ریشه زیر دست بودن زنان را نه تنها در چارچوب خانواده، بلکه در روابط میان زن و مرد جستجو

^۱ - Gender and Development

^۲ - Welfare theory

^۳ - Equality theory

می کنند (Shabanali Fami, 1994). بر اساس این نظریه زنان باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار، فرصت های شغلی برایشان ایجاد شوند و از این راه در فرایند توسعه وارد شوند. همچنین، نابرابری های جنسیتی کاهش یابد و به استقلال مالی زنان کمک شود. از این منظر منشأ اصلی آسیب پذیری زنان وابستگی اقتصادی آن ها تلقی می شد (Dadvar Khani, 2007).

ج - نظریه فقرزدایی یا خودکفایی اقتصادی^۱

نظریه فقرزدایی یا خودکفایی اقتصادی، علت نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان را به فرمانبری و پایین تر بودن زنان مربوط ندانسته بلکه آن را نتیجه فقر می داند (Shabanali Fami, 1994). این نظریه ریشه فقر را در عدم تحقق نقش تولیدکنندگی زنان در مشاغل کلیشه ای می بیند که در صورت اشتغال زنان و تولید، از اتکاء آن ها به دیگران کاسته شده و با فقر زنان نیز مبارزه شده است (Rezai, 2009). به بیان دیگر، در این نظریه از بین بردن عدم تساوی میان زن و مرد، به از بین بردن نابرابری های اقتصادی تغییر جهت پیدا می کند. اساس این نظریه بر این فرض استوار است که فقر زن و عدم برابری او با مرد، نتیجه ی دسترسی نداشتن به تملک زمین، سرمایه و تبعیض موجود در بازار کار است (Dadvar Khani, 2007).

د - نظریه کارایی^۲

در این نظریه تمرکز از زنان برداشته و بر توسعه نهاده شد. فرض بر این بود که اگر توسعه اتفاق بایفتد، خود به خود مشارکت زنان را می طلبد و این امر موجب افزایش برابری خواهد شد (Dadvar Khani, 2007). البته، پایین بودن سطح سواد زنان و نبود فناوری تولیدی مناسب، از عواملی بود که مشکلات را در مسیر اجرای برنامه های یاد شده بوجود آورد. بر اساس این دیدگاه برنامه ریزان توسعه متوجه اهمیت مشارکت زنان در توسعه شده اند و از مشارکت آن ها در فرایند توسعه به عنوان عنصری ضروری یاد کرده اند، ولی مستقیماً به بهبود شرایط زندگی زنان توجه خاص ندارد. این دیدگاه، در پی آن است تا با تشویق زنان خانه نشین به فعالیت های عام المنفعه اقتصادی، از یک سو از توان آنان در جهت اهداف توسعه استفاده کند و از سوی این سکوی پرشی برای بالا رفتن کارایی زنان در امر مدیریت و تولید بشمار رود، بدون این که هزینه سنگینی به دولت تحمیل شود (Rezai, 2009).

¹ - Economic Self-Sufficiency Theory

² - Efficiency Theory

ه - نظریه توانمندسازی^۱

نظریه توانمندسازی بر این نکته تأکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری های موجود بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و همزمان زیر سؤال برده و با آن مبارزه کنند. نظریه توانمندسازی در حالی که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است، آن را کم تر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر تلقی کرده و بیش تر لحاظ کردن توان زنان را در جهت افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی، تعریف می کند. این نظریه برخلاف نظریه برابری تأکید کمتری بر ارتقاء موقعیت زن نسبت به مرد دارد ولی در پی توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و در جامعه است (Rezai, 2009). این نظریه بر پیش فرض های زیر استوار است:

- افزایش توان زنان برای اتکا به خود موجب افزایش قدرت آن ها خواهد شد.
- قدرت نشان دهنده برتری فرد نیست بلکه بیانگر حق انتخاب در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخاب ها است.
- ارتقای موقعیت زنان بر موقعیت مردان هدف نبوده بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می تواند به توزیع مجدد قدرت و برابری کمک کند (Mohamadi, 2003).

بنظر می رسد نظریه تواناسازی ترکیبی از نظریه های رفاه، برابری و فقرزدایی است، با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای تحقق تغییرات بلند مدت منتظر آغاز آن در سطوح بالای تصمیم گیری سازمان های دولتی نبوده و تلاش سازمان های غیر دولتی زنان و گروه های مشابه را برای بسیج سیاسی، آگاه سازی و آموزش همگان ضروری می دانند (Mohamadi, 2003).

برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) بررسی می شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (مانند زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات، آموزش های مهارت زا و محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. در این مرحله منظور از آگاهی، باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند و مشارکت آن ها باید با شمار آن ها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (Moser, 1993).

¹ - Empowerment theory

در مواجهه با تداوم فقر و تبعیض جنسیتی علیه زنان، ضرورت توانمندسازی آنان در ادبیات توسعه و جنسیت مدنظر قرار گرفته است (Shakouri et al, 2007). به باور بیش‌تر صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی، زنان روستایی یکی از گروه‌های موجود در جوامع روستایی هستند که بنا به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم‌تر مورد توجه برنامه‌ریزان واقع شده‌اند. این در حالی است که زنان روستایی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های تولیدی بر عهده دارند و فعالیت‌های داخل منزل آنان نیز در اکثر موارد جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار روستایی تأثیر گذار است، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها بیش‌تر سنتی است و در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرایند اقتصادی جامعه و خانواده هستند (Noori & Ali, 2009). فعالیت‌های اقتصادی زنان، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های اقتصاد است. قالببافی یکی از فعالیت‌های اقتصادی است که اکثریت زنان چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری در این زمینه فعالیت دارند و نقشی مهم در تولید این کالای صادراتی کشور برعهده دارند و در برخی از نقاط روستایی کشور که فعالیت‌های اقتصادی نمی‌تواند نیاز مالی خانواده را تأمین کند سهم عمده‌ای از درآمد خانواده از راه صنایع دستی و به ویژه بافت فرش دستباف تأمین می‌شود که بیش از ۹۰ درصد این گونه فعالیت‌ها به وسیله زنان و دختران روستایی انجام می‌شود (Hashemi, 1995). زنان روستایی در کلیه مراحل گوناگون تهیه مقدمات بافت قالی، از قبیل پشم‌چینی، شستن پشم، حلاحی، ریسندگی، رنگ‌رزی، گلوله کردن نخ، چله‌کشی، برپا کردن دار و بالاخره بافتن خود قالی مشارکت دارند. برابر یک گزارش، ۸۰ درصد مراحل اولیه و تهیه مقدمات و ۱۰۰ درصد بافت قالی توسط زنان صورت می‌گیرد (Lahsaizadeh, 1996). به عبارتی قالببافی روستایی بنا به سنت بر عهده زنان بوده و آن‌ها به همراه سایر وظایف، فرصتی را نیز به قالببافی و نیز آموزش آن به فرزندان خود اختصاص می‌دهند. قالببافی در مناطق روستایی افزون بر کیفیت اقتصادی خود، در جوامع روستایی به عنوان یک هنر مایه تفاخر و مباحثات زنان روستایی بوده و بافتن فرش سهم بسزایی در منزلت زن و خانواده او دارد و بخشی از منبع درآمد برای شوهر بشمار می‌رود (Haj Mohammed Hosseini & Ayatollahi, 2005). با توجه به نقش‌های اجتماعی و اقتصادی که زنان قالبباف روستایی ایفا می‌کنند، اما متأسفانه سهم آن‌ها مشخص نشده است و آن‌ها از برنامه‌های توسعه روستایی محروم مانده‌اند و تنها امور مربوط به مراقبت از بچه‌ها، تغذیه و غیره به ایشان نسبت داده شده است. این مسئله باعث شده تا طراحان و برنامه‌ریزان از پتانسیل خاص زنان روستایی غفلت نمایند (Kaur & Sharma, 1991). بنابراین، ارتقاء موقعیت زنان روستایی

که از دیرباز و به گونه سنتی در فعالیت های اقتصادی خانواده مشارکت داشته اند از شرایط لازم برای دستیابی به توسعه پایدار بشمار می رود^۱ (FAO, 2007) و توجه به وضعیت آنان، شناسایی و ارزش گذاری فعالیت های آنها و رفع موانع ومسائل آنها، از ضرورت های توسعه روستایی است^۲ (UNFPA, 2005). لذا هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مسائل و مشکلات زنان قالیباف به عنوان گروه کثیری از زنان روستایی است تا با شناسایی مسائل و مشکلات آنها راهکارهای درجهت رفع موانع و مشکلات آنها ارائه شود.

پیشینه پژوهش

زنان در اقتصاد روستایی ایران نقش محوری و کلیدی بر عهده دارند آنها به عنوان عناصر نامرئی، بخشی عظیم از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را تشکیل می دهند. با وجود ارزش و اعتبار کار و فعالیت آنها برای خانوار و اقتصاد جامعه، از نظر اجتماعی یا اصولاً در مقاطع تصمیم گیری به هیچ وجه نقشی متناسب با این فعالیت ها نداشته اند و بدون هیچ شبهه ای باید آنها را در زمره محروم ترین اقشار جامعه بشمار آورد (Amini & Ahmadi Shaporabadi, 2009). قالیبافی به عنوان یکی از مهم ترین صنایع و هنر بومی ایران از دیر باز با تولید خانگی همراه بوده و زنان به عنوان بافندگان قالی از ارکان اصلی قالیبافی بوده اند (Niazi & Chitsazian, 2007)، اما با وجود نقش مهمی که زنان قالیباف روستایی در اقتصاد خانواده و اقتصاد ملی دارند همواره با مسائل و مشکلاتی روبه رو هستند. به گونه ای که بررسی های صورت گرفته در بیشتر کشورهای در حال توسعه و تعدادی از کشورهای توسعه نیافته، نشان می دهد که در فعالیت های اقتصادی، ساعت کاری و سختی کار زنان روستایی بیش تر از مردان است.

شفیعیان (Shafii, 1996) به بررسی عوامل موثر در جابه جایی نیروی انسانی در صنعت فرش کرمان پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد دستمزد پایین، رکود بازار فرش دستباف، افزایش قیمت مواد اولیه، منزلت اجتماعی پایین قالیبافان، شرایط فیزیکی کارگاه و فشار خانواده از مهم ترین عوامل ترک حرفه قالیبافی از سوی قالیبافان است.

الماسی (Almasi, 2007) در بررسی مؤلفه های اصلی بهبود وضعیت شغلی زنان قالیباف روستایی شهرستان اراک به سختی کار، کمی درآمد، نداشتن بیمه، مناسب نبودن محیط فیزیکی محل کار، بیماری های ناشی از قالیبافی و گرانی مواد اولیه به عنوان مهم ترین مشکلات زنان قالیباف روستایی

1 - Food and Agriculture organization

2 - United Nations Population Fund

اشاره کرده و عوامل قانونی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بهبود وضعیت شغلی زنان قالیباف روستایی عنوان کرده است.

رضایی (Rezai, 2006) در پژوهشی با عنوان رضایت مندی بافندگان فرش دستباف در استان‌های آذربایجان شرقی و اصفهان به این نتیجه رسید که مشکل در تهیه مواد اولیه، نقشه و دار قالیبافی مناسب، کمبود سرمایه برای کار و عدم دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی از مهم‌ترین مشکلات قالیبافان استان آذربایجان شرقی و اصفهان است.

کریمی ماچیان و سلطانیان (Karimi Machyany & Soltanian, 2007) طی پژوهشی با عنوان شناسایی مهم‌ترین نیازهای عامل تولید هنر صنعت فرش دستباف برای بالا بردن کمیت و کیفیت تولید، مهم‌ترین مشکلات بافندگان روستایی را ناتوانی جسمی و بیماری، نداشتن فرصت کافی برای بافت فرش، رکود بازار فرش دستباف و درآمد پایین قالیبافی عنوان کرده اند.

روستامی (Rostami, 2004) در پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه شاخص: شهرستان ساری)، به این نتیجه رسید که عدم صرفه اقتصادی و نبود بازار فروش مناسب برای محصولات تولیدی، عمده‌ترین مشکل زنان شاغل در بخش صنایع دستی است.

مهدوی (Mahdavi, 2001) طی پژوهشی با عنوان بررسی و شناخت صنایع دستی (قالی‌بافی) در روستاهای حاشیه غربی دشت کویر به منظور توسعه و احیاء آن، به این نتیجه رسید که محل نامناسب کارگاه‌های قالیبافی، نامناسب بودن ابزار کار مشکلاتی را برای قالیبافان روستای ایوانکی بوجود آورده است.

هاشمی (Hashemi, 1995)، در مطالعه خود با عنوان نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی قالیباف، به این نتیجه رسید که بیش از نیمی از زنان قالیباف به انواع بیماری‌ها مبتلا هستند که آسیب‌پذیری آن‌ها به دلایل متعددی از جمله مکان و محل نصب دار قالی، بافت مداوم، استفاده از نوع نخ و غیره است.

لهسایی‌زاده (Lahsaizadeh, 1996) به بررسی نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داد مهم‌ترین مشکل زنان تولیدکننده صنایع روستایی بویژه زنان قالی و گلیم باف، ابتلا به عوارض نامطلوب جسمی نظیر کوری یا تغییر شکل استخوان‌ها است.

خواجانه‌نصیری و ستوده (Khajenasiri & Sotoudeh, 2007) در پژوهش خود با عنوان بررسی حدت بینایی و عوامل مؤثر بر آن در زنان قالی‌باف: روستای فردو شهرستان قم، به این نتیجه رسیدند که درصد زیادی از زنان قالیباف روستای فردوی قم دارای وضعیت نامطلوب حدت بینایی هر دو چشم هستند.

باقیانی مقدم و همکاران (Baghianimoghadam, et al, 2010) طی بررسی ارتباط بین وضعیت بهداشت محیط کار و سلامت قالببافان روستاهای شهرستان مهریز در سال ۸۶-۸۷ نشان دادند که بیماری‌های ریوی و چشمی در قالببافان زیاد است و بیماری قالببافانی که کارگاه‌های آن‌ها از نظر بهداشتی مناسب نیست بیشتر از دیگران است.

حمزه (Hamzeh, 1995) در پژوهشی با عنوان بررسی موانع پیش پای فرش ایران، پایین بودن دانش کلاسیک درباره فرش در سطح کشور، نبود یک سازمان مشخص و مسئول در خصوص فرش در سطح کشور، نبود بانک اطلاعاتی در زمینه فرش و نبود استانداردهای بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای در خصوص بهداشت فرد و کارگاه‌های قالببافی را از موانع پیش روی فرش دستباف ایران ذکر کرده و گسترش بیمه درمانی و حوادث قالی و قالببافان و همچنین، تشکیل شورای جهت تأیید کیفیت فرش را جهت بهبود وضعیت قالببافان و تولید فرش پیشنهاد می‌کند.

محمدی (Mohamadi, 2007) به بررسی علل افت تولید فرش در شهرستان‌های کامیاران و دیواندره پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که افت تولید فرش دستباف در شهرستان کامیاران رابطه معنی‌داری با عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه، وضعیت رفاه اجتماعی، استفاده از مواد اولیه نامرغوب، طرح‌ها و نقشه‌های تکراری دارد.

وین و جیسول (Wain & Jaiswal, 2011) در مطالعه خود با عنوان نقد و بررسی عوامل خطر بهداشت حرفه‌ای در صنعت فرش به این نتیجه رسیدند که بافندگان فرش دستباف از انواع گوناگونی از عوامل خطر بهداشتی رنج می‌برند. اختلالات اسکلتی و عضلانی، مشکلات بینایی، اختلالات عصبی، مشکلات پوستی و غیره از انواع اختلالات در بین قالببافان هستند. خطر در صنعت فرش بالا و توانایی برای کنترل آن پایین است. ارگونومی ضعیف و طراحی محل کار و ساعت‌های طولانی شرایط کار شخص در صنعت فرش و همچنین شرایط بد محیطی همراه با شرایط غیر بهداشتی از مهم‌ترین دلایل رشد این اختلالات در قالببافان هستند. عدم آگاهی در میان بافندگان‌ها باعث بدتر شدن مشکلات موجود در صنعت فرش می‌شود. می‌توان از بیش‌تر این بیماری‌ها و اختلالات از طریق اقدامات احتیاطی و مراقبت‌های لازم اجتناب کرد.

نگی و اپدهی (Negi & Upadhyay, 2012) طی پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فعالیتهای کارآفرینی انتخاب شده (شال بافی، قالببافی و غیره) توسط زنان روستایی به این نتیجه رسید که سود کم سرمایه‌گذاری، نرخ بازدهی پایین تولید فرش دستباف و هزینه‌های بالای تولید فرش دستباف مهم‌ترین نقاط ضعف و سختی رقابت با صنایع بزرگ مقیاس تولید فرش ماشینی با توجه به این که مردم روز به روز به سراغ این نوع از فرش‌ها می‌روند و عدم دسترسی به مواد خام در بازار و تقاضای کم برای فرش دستباف به دلیل

هزینه های بالای آن از مهم ترین تهدیدهای پیش روی زنان روستایی است که به فعالیت قالیبافی مشغول هستند.

شمسین (Shamssain, 1997) به بررسی علایم تنفسی و عملکرد ریوی در گروهی از بافندگان زنان در آفریقای جنوبی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که مشکلات تنفسی و اختلال عملکرد ریوی در زنان قالیباف به گونه معنی داری بیش از سایر زنان است. بابل و همکاران (Babel et al, 2006) در پژوهش خود با عنوان بررسی محدودیت های توسعه اقتصادی زنان بافندگان پارچه راجستان به این نتیجه رسیدند که زنان بافنده پارچه در واحدهای خانگی در ایالت راجستان با محدودیت های مثل ناتوانی مالی در تهیه مواد اولیه، عدم تقاضا و درآمد پایین مواجه هستند.

ان برمن (Ann Berman, 2006) در پژوهش خود با عنوان بافندگان فرش و بافندگی در بازار جهانی: مطالعه مورد ترکیه، دلایل اصلی زنان روستایی برای ادامه فعالیت بافندگی یا ترک بافندگی را جنبه های مثبت و منفی عمل فیزیکی بافندگی، زمان موجود برای بافت فرش، مشوق های اقتصادی مرتبط با بافندگی، موقعیت جغرافیایی روستا، و سنت قالیبافی عنوان کرده است. بررسی و تحلیل ادبیات نظری نظری پژوهش حاکی از آن است که پژوهش های زیادی در زمینه قالیبافان انجام شده است، اما در مورد مشکلات زنان قالیباف روستایی به گونه ویژه، با وجود نقش با اهمیتی که در اقتصاد روستایی و در اقتصاد ملی دارند، مطالعه ای انجام نشده است. لذا، این مطالعه در صدد بررسی مشکلات این قشر از جامعه است تا بتواند راهکارهای در جهت بهبود وضعیت آن ها ارائه دهد.

هدف کلی

بررسی مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان.

اهداف اختصاصی

- بررسی ویژگی های فردی و حرفه ای زنان قالیباف روستایی استان همدان،
- اولویت بندی مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان با بهره گیری از ضریب تغییرات،
- تحلیل عاملی مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان.

پرسش‌های پژوهش

- به لحاظ سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، سابقه قالیبافی، برخورداری از بیمه قالیبافی و دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی وضعیت زنان قالیباف روستایی استان همدان چگونه است؟
- زنان قالیباف روستایی استان همدان تا چه حد از شغل قالیبافی خود رضایت دارند؟
- مهم‌ترین مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان چیست؟
- مشکلات زنان قالیباف روستایی براساس تحلیل عاملی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت جزء پژوهش‌های کمی و از نظر روش گردآوری داده‌ها جزء پژوهش‌های توصیفی - پیمایشی بشمار می‌رود که با هدف بررسی مسائل و مشکلات زنان قالیباف روستایی انجام شده است. در این روش با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از جامعه، فراوانی، توزیع و روابط بین متغیرها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش را زنان قالیباف روستایی استان همدان تشکیل می‌دهند که به صورت تصادفی ۱۶۳ نفر از آن‌ها بر مبنای فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب و دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به مسائل و مشکلات زنان قالیباف روستایی مورد بررسی قرار گرفت. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بوده است که روایی آن با بهره‌گیری از نظرات صاحب‌نظران و پژوهشگران و هم‌چنین، با بهره‌گیری از نظرات مدیران عامل تعاونی‌های فرش دستباف روستایی استان همدان مورد تأیید قرار گرفته و اصلاحات لازم براساس نظرات آن‌ها در پرسشنامه انجام شده است. بمنظور آزمون پایایی ابزار پژوهش، ۳۰ پرسشنامه در بین زنان قالیباف روستایی مناطق گوناگون استان توزیع و از راه مصاحبه و نظرخواهی تکمیل گردید. پس از گردآوری داده‌ها اعتبار آن از راه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن ۰/۸۷ بدست آمد که رقم قابل قبولی بوده و پایایی پرسشنامه تأیید شد. جهت تکمیل پرسشنامه‌ها با توجه به سطح سواد پایین زنان قالیباف روستایی در کنار پرسشنامه از روش مصاحبه نیز استفاده شد.

با توجه به ماهیت پژوهش در این مطالعه داده‌ها توصیف و تحلیل شده‌اند. در بخش توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی مثل فراوانی، درصد، انحراف معیار، واریانس، میانگین و موارد دیگر بهره‌گرفته شد. در بخش تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل عاملی^۱ بمنظور دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شده است.

^۱ - Factor Analysis

یافته های پژوهش

پرسش ۱- به لحاظ سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، سابقه قالیبافی، برخورداری از بیمه قالیبافی و دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی وضعیت زنان قالیباف روستایی استان همدان چگونه است؟

براساس نتایج بدست آمده سن زنان قالیباف مورد مطالعه بین ۱۷ تا ۶۲ سال متغیر بوده و میانگین سن آن ها در حدود ۳۹ سال با انحراف معیار ۱۱ سال می باشد. نتایج نشان می دهد که بیش تر افراد مورد مطالعه (۶۷/۳ درصد) متأهل، ۸ درصد مطلقه، ۱۴/۸ درصد مجرد و همسر ۹/۹ درصد از زنان فوت شده است. سابقه قالیبافی نیز در بین زنان قالیباف روستایی استان همدان بین ۱ تا ۵۰ سال با میانگین ۱۸ سال است.

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی سواد	۳۱	۱۹	۱۹
خواندن و نوشتن	۹	۵/۵	۲۴/۵
ابتدایی	۲۹	۱۷/۸	۴۲/۳
راهنمایی	۴۴	۲۷	۶۹/۳
دبیرستان	۳۷	۲۲/۷	۹۲
دیپلم و بالاتر	۱۳	۸	۱۰۰
جمع	۱۶۳	۱۰۰	-

براساس نتایج جدول ۱، به لحاظ سطح تحصیلات، ۱۹ درصد بی سواد، ۵/۵ درصد سواد خواندن و نوشتن، ۱۷/۸ درصد ابتدایی، ۲۷ درصد راهنمایی، ۲۲/۷ درصد دبیرستان و ۸ درصد تحصیلات دیپلم و بالاتر دارند.

جدول ۲- توزیع فراوانی زنان قالیباف روستایی بر حسب وضعیت بیمه

وضعیت بیمه	فراوانی	درصد
بیمه شده	۳۷	۲۲/۷
در شرف بیمه شدن	۲۳	۱۴/۱
بیمه نشده	۱۰۳	۶۳/۲
جمع	۱۶۳	۱۰۰

در مورد برخورداری از خدمات بیمه نیز نتایج نشان می دهد که ۲۲/۷ درصد از زنان قالیباف از خدمات بیمه برخوردار هستند، ۱۴/۱ درصد در شرف بیمه شدن و ۶۳/۲ درصد نیز از مزایای بیمه برخوردار نیستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی زنان قالیباف روستایی بر حسب دریافت وام و تسهیلات قالیبافی

درصد	فراوانی	دریافت وام و تسهیلات قالیبافی
۲۱/۴۸	۳۵	دریافت کرده ام
۷۸/۵۲	۱۲۸	دریافت نکرده ام
۱۰۰	۱۶۳	جمع

همان گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، تنها ۲۱/۴۸ درصد از زنان قالیباف موفق به دریافت وام و تسهیلات قالیبافی شده‌اند و ۷۸/۵۲ درصد از افراد مورد مطالعه تاکنون موفق به دریافت وام و تسهیلات قالیبافی نشده‌اند.

پرسش ۲- زنان قالیباف روستایی استان همدان تا چد از شغل قالیبافی خود رضایت دارند؟

جدول ۴- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان رضایت از شغل قالیبافی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	میزان رضایت از شغل قالیبافی
۱۵/۳۳	۱۵/۳۳	۲۵	خیلی زیاد
۳۹/۳۵	۲۳/۹۲	۳۹	زیاد
۷۱/۷۶	۳۲/۵۱	۵۳	متوسط
۹۰/۷۷	۱۹/۰۱	۳۱	کم
۱۰۰	۹/۲۳	۱۵	خیلی کم
-	۱۰۰	۱۶۳	جمع

براساس نتایج جدول ۴، میزان رضایت شغلی ۱۵/۳۳ درصد از زنان قالیباف در حد خیلی زیاد، ۲۳/۹۲ درصد در حد زیاد، ۳۲/۵۱ درصد در حد متوسط، ۱۹/۰۱ درصد کم و ۹/۲۳ درصد در حد خیلی کم است. به بیان دیگر، براساس نتایج بدست آمده میزان رضایت شغلی ۷۱/۷۶ درصد از زنان قالیباف در حد متوسط به بالا است.

پرسش ۳- مهم‌ترین مسائل و مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان چیست؟

بمنظور تحلیل نظرات زنان قالیباف روستایی استان همدان در مورد مهم‌ترین مسائل و مشکلات آن‌ها از یک مقیاس ۳۴ گویه‌ای در قالب طیف لیکرت استفاده شد. سپس با توجه به میانگین گویه‌ها اولویت بندی شدند. جدول (۵) مشکلات زنان قالیباف روستایی را بر حسب اولویت نشان می‌دهد.

جدول ۵- اولویت بندی مسائل و مشکلات زنان قالبیاف روستایی بر حسب میانگین

اولویت	انحراف	میانگین	مشکلات زنان قالبیاف
۱	۰/۸۸۱	۴/۳۶	عوارض نامطلوب جسمی ناشی از قالبیافی
۲	۰/۹۰۲	۴/۳۰	آموزش های پایین در زمینه قالبیافی
۳	۰/۷۵۷	۴/۲۸	زمان بر بودن کار قالبیافی
۴	۰/۸۰۵	۴/۱۹	عدم آشنایی با وضعیت بازار فرش دستباف
۵	۰/۸۱۳	۴/۱۷	مسائل و مشکلات بهداشتی کارگاههای قالبیافی
۶	۰/۸۹۹	۴/۱۵	بی توجهی مسئولان به خواسته های قالبیافان
۷	۰/۸۸۳	۴/۰۵	نبود مکانی مناسب برای قالبیافی
۸	۰/۸۵۷	۳/۹۹	عدم دسترسی به نقشه ها و طرح های جدید
۹	۰/۹۲۱	۳/۹۵	عدم برگزاری دوره های آموزشی برای زنان قالبیاف
۱۰	۰/۸۷۶	۳/۸۱	عدم تشویق زنان قالبیاف نمونه
۱۱	۰/۸۰۴	۳/۷۹	تنوع مسئولیت ها در خانواده
۱۲	۱/۰۶۴	۳/۷۳	کمبود آموزش در زمینه بهداشت قالبیافی
۱۳	۰/۸۰۸	۳/۶۸	درآمد پایین حاصل از قالبیافی
۱۴	۰/۹۸۰	۳/۵۸	مشکلات مربوط به فروش فرش دستباف
۱۵	۰/۹۸۳	۳/۵۷	مسائل و مشکلات بهداشتی قالبیافی
۱۶	۰/۸۰۲	۳/۵۵	نامناسب بودن فضای فیزیکی محل کار
۱۷	۰/۹۳۱	۳/۵۲	عدم ارزشگذاری مناسب برای کار زنان قالبیاف
۱۸	۰/۹۰۵	۳/۴۹	بالا بودن هزینه های بافت فرش دستباف
۱۹	۰/۸۸۳	۳/۴۶	وجود واسطه ها و دلالان فرش
۲۰	۰/۹۱۷	۳/۴۶	وضعیت بهداشتی نامناسب کارگاه های قالبیافی
۲۱	۰/۹۲۱	۳/۴۵	نداشتن قدرت اقتصادی و سرمایه لازم برای قالبیافی
۲۲	۰/۹۵۷	۳/۴۰	نامناسب بودن دیدگاه های فرهنگی نسبت به زنان قالبیاف
۲۳	۰/۸۵۹	۳/۳۲	عدم پوشش بیمه ای برای قالبیافان
۲۴	۰/۶۸۲	۳/۳۰	سودآور نبودن بافت فرش دستباف
۲۵	۰/۸۷۳	۳/۳۰	گرانی مواد اولیه و ابزار قالبیافی
۲۶	۰/۷۶۸	۳/۲۷	سخت بودن کار قالبیافی
۲۷	۰/۹۴۱	۳/۲۶	عدم دسترسی به ابزار و وسایل قالبیافی استاندارد
۲۸	۰/۸۸۰	۳/۲۲	عدم حمایت مسئولین از قالبیافان
۲۹	۰/۹۱۸	۳/۱۶	عدم وجود قوانین بازنگری برای زنان قالبیاف
۳۰	۰/۸۹۳	۳/۰۶	کمبود سرمایه برای خرید مصالح و وسایل قالبیافی
۳۱	۰/۸۶۷	۳/۰۵	عدم دسترسی به وام و تسهیلات قالبیافی
۳۲	۰/۸۱۹	۳/۰۴	عدم دسترسی به مواد اولیه مناسب و مرغوب
۳۳	۰/۸۱۸	۳/۰۱	ضعف اعتماد به نفس در قالبیافان
۳۴	۰/۷۵۷	۲/۸۶	نداشتن انگیزه برای بافت فرش دستباف

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عوارض نامطلوب جسمی ناشی از قالیبافی (میانگین ۴/۳۶، انحراف معیار ۰/۸۸۱) مهم‌ترین مشکلی است که جامعه مورد بررسی با آن روبه‌رو هستند. آموزش‌های پایین در زمینه قالیبافی دومین مشکلی است که غالب زنان قالیباف به آن اشاره داشته‌اند (میانگین ۴/۳۰، انحراف معیار ۰/۹۰۲). آموزش‌های قالیبافی طیف وسیعی را شامل می‌شود که عمده تأکید زنان قالیباف بر آموزش‌های بهبافی و موارد مشابه می‌باشد. سومین مشکل کلیدی زنان قالیباف روستایی زمان بر بودن فعالیت قالیبافی است که وقت زیادی را از آن‌ها می‌گیرد و با توجه به این‌که زنان در جامعه روستایی فعالیت‌های دامداری و زراعی نیز انجام می‌دهند این مسئله باعث می‌شود که آن‌ها وقت کمتری برای قالیبافی داشته باشند (میانگین ۴/۲۸، انحراف معیار ۰/۷۵۷).

نتایج بدست آمده حاکی از آن است که نداشتن انگیزه برای بافت فرش دستباف در آخرین اولویت قرار دارد (میانگین ۲/۸۶، انحراف معیار ۰/۷۵۷). می‌توان گفت از آنجا که هنر قالیبافی به عنوان یک کار جانبی برای بیش‌تر زنان قالیباف به شمار می‌رود و اکثریت آن‌ها بمنظور سرگرمی فرش می‌بافتند، نداشتن انگیزه برای بافت فرش دستباف به عنوان یک مشکل جدی در جامعه مورد مطالعه تلقی نمی‌شود. ضعف اعتماد به نفس در قالیبافان و عدم دسترسی به مواد اولیه مناسب و مرغوب نیز از جمله مواردی هستند که در اولویت‌های آخر قرار دارند.

پرسش ۴- مشکلات زنان قالیباف روستایی براساس تحلیل عاملی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
تحلیل عاملی را به سبب نیرومندی، ظرافت و نزدیکی آن به هسته هدف علمی ملکه روش‌های تحلیلی می‌دانند (کرلینجر، ۱۹۸۶). این روش دو هدف اصلی را دنبال می‌کند، نخست شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه‌ساز متغیرها. در این راستا وجه مشترک متغیرها را با توجه به واریانس مشترک شناسایی و سپس به وسیله پژوهشگر نامگذاری می‌شود. هدف دوم تحلیل عاملی شناسایی روابط بین متغیرهای جدید (عامل‌ها) است که البته، کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. با وجود توانمندی این روش در تحلیل داده‌ها، امکان استفاده از آن در هر شرایطی وجود ندارد. داده‌های برای تحلیل عاملی مناسب هستند که شایستگی لازم برای این کار را داشته باشند. برای این منظور از آزمون بارتلت و ضریب KMO استفاده می‌نمایند، چنانچه مقدار KMO بالاتر از ۰/۵ باشد، می‌توان با اطمینان خاطر از تحلیل عاملی استفاده نمود. این ضریب در این مطالعه ۰/۶۱۹ بدست آمد که رقم مناسبی است، آزمون بارتلت نیز در سطح یک درصد ($Sig=0/000$) معنی‌دار شد.

پس از اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، از چرخش وریماکس برای دستیابی به عامل‌های معنی‌دار استفاده شده است. تعداد عامل‌ها براساس مقادیر ویژه از قبل

تحلیل عاملی مشکلات زنان قالبیاف روستایی

تعیین شده است. عوامل استخراج شده در جدول ۶ آمده است. این عوامل در مجموع ۵۰/۷۱۵ درصد واریانس مربوط به مشکلات زنان قالبیاف روستایی استان همدان را تبیین می‌نمایند.

جدول ۶- عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول	۳/۸۴۷	۱۰/۹۹۱	۱۰/۹۹۱
عامل دوم	۳/۷۰۷	۱۰/۵۹۰	۲۱/۵۸۲
عامل سوم	۳/۲۰۸	۹/۱۶۶	۳۰/۷۴۷
عامل چهارم	۲/۵۰۳	۷/۱۵۲	۳۷/۹۰۰
عامل پنجم	۲/۲۶۸	۶/۴۸۰	۴۴/۳۸۰
عامل ششم	۲/۲۱۷	۶/۳۳۵	۵۰/۷۱۵

هر یک از عامل‌های فوق‌الذکر خود از چند متغیر تشکیل شده‌اند. وضعیت بارگذاری عامل‌ها پس از چرخش بر مبنای قرار گرفتن متغیرهایی با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵ در جدول ۷ آمده است. در این جدول متغیرهای که بار عاملی آن‌ها کم‌تر از ۰/۵ باشد به دلیل اهمیت کمتر حذف شده‌اند.

جدول ۷- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی بدست آمده از

ماتریس چرخش یافته

عامل	متغیرها	بار
اقتصادی و مالی	سودآور نبودن بافت فرش دستباف	۰/۵۰۷
	گرانی مواد اولیه و ابزار قالبیافی	۰/۶۴۲
	عدم دسترسی به وام و تسهیلات قالبیافی	۰/۵۱۴
	درآمد پایین حاصل از قالبیافی	۰/۵۹۲
	نداشتن قدرت اقتصادی و سرمایه لازم برای قالبیافی	۰/۷۴۳
	بالا بودن هزینه‌های بافت فرش دستباف	۰/۷۳۸
بهداشتی	عدم پوشش بیمه‌ای برای قالبیافان	۰/۶۸۶
	عدم دسترسی به ابزار و وسایل قالبیافی استاندارد	۰/۷۲۸
	وضعیت بهداشتی نامناسب کارگاه‌های قالبیافی	۰/۵۱۳
	مسائل و مشکلات بهداشتی قالبیافی	۰/۵۱۱
	نامناسب بودن فضای فیزیکی محل کار	۰/۶۴۶
	عوارض نامطلوب جسمی ناشی از قالبیافی	۰/۵۰۴
کمبود آموزش در زمینه مسائل بهداشتی قالبیافی	۰/۶۳۲	

ادامه جدول ۷	
۰/۵۹۸	عدم آشنایی با وضعیت بازار فرش دستباف
۰/۷۲۳	آموزش های پایین در زمینه قالیبافی
۰/۶۷۷	عدم برگزاری دوره های آموزشی برای زنان قالیباف
۰/۵۴۱	وجود واسطه ها و دلالتان فرش دستباف
۰/۵۷۷	عدم ارزشگذاری مناسب برای کار زنان قالیباف
۰/۵۴۹	عدم وجود قوانین بازنگشتگی برای زنان قالیباف
۰/۶۹۱	نامناسب بودن دیدگاههای فرهنگی نسبت به زنان قالیباف
۰/۶۹۸	ضعف اعتماد به نفس در قالیبافان
۰/۵۸۹	تنوع مسئولیت ها در خانواده
۰/۶۶۱	عدم تشویق زنان قالیباف نمونه
۰/۶۶۹	عدم حمایت مسئولان از قالیبافان

عامل نخست: مشکلات اقتصادی و مالی

بر اساس جدول ۷ سودآور نبودن بافت فرش دستباف، گرانی مواد اولیه و ابزار قالیبافی، عدم دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی، درآمد پایین حاصل از قالیبافی، نداشتن قدرت اقتصادی و سرمایه لازم برای قالیبافی و بالا بودن هزینه های بافت فرش دستباف از متغیرهای تشکیل دهنده این عامل هستند. این عامل (مشکلات اقتصادی و مالی) به تنهایی ۱۰/۹۹۱ درصد از واریانس کل را تبیین می کند، به بیان ساده تر ۱۰/۹۹۱ درصد از مشکلات زنان قالیباف روستایی مربوط به مشکلات اقتصادی و مالی آنها است.

عامل دوم: مشکلات بهداشتی

همان گونه که جدول ۶ نشان می دهد، این عامل (مشکلات بهداشتی) ۱۰/۵۹۰ درصد از واریانس کل را تبیین می کند، به بیان دیگر، ۱۰/۵۹۰ درصد از مشکلات زنان قالیباف روستایی مربوط به مشکلات بهداشتی آنها است. عدم پوشش بیمه ای برای قالیبافان، عدم دسترسی به ابزار و وسایل قالیبافی استاندارد، وضعیت بهداشتی نامناسب کارگاههای قالیبافی، مسائل و مشکلات بهداشتی قالیبافی، نامناسب بودن فضای فیزیکی محل کار، عوارض نامطلوب جسمی ناشی از قالیبافی و کمبود آموزش در زمینه مسائل بهداشتی قالیبافی از جمله متغیرهای تشکیل دهنده این عامل هستند. شرایط کار در صنعت قالیبافی همواره قالیبافی را مترادف با آسیب های جسمی برای قالیبافان ساخته و شرایط در کارگاه های قالیبافی نیز به گونه ای است که این آسیب های جسمی را دو چندان می کند. به گونه ای که هاشمی (Hashemi, 1995)، در مطالعه خود به این نتیجه رسید

که بیش از نیمی از زنان قالبیاف به انواع بیماری‌ها مبتلا هستند، که آسیب پذیری آن‌ها به دلایل متعددی از جمله مکان و محل نصب دار قالی، بافت مداوم، استفاده از نوع نخ و غیره است.

عامل سوم: مشکلات آموزشی

براساس داده‌های جدول (۶)، این عامل (مشکلات آموزشی) به تنهایی ۹/۱۶۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، به بیان دیگر، ۹/۱۶۶ درصد مشکلات زنان قالبیاف روستایی به مشکلات آموزشی آن‌ها بر می‌گردد. متغیرهای که در این عامل جای گرفته‌اند عبارتند از: عدم آشنایی با وضعیت بازار فرش دستباف، آموزش‌های پایین در زمینه قالبیافی و عدم برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان قالبیاف. این در حالی است که صاحب‌نظران آموزش را از نیازهای اساسی زنان دانسته و بر این باورند که کمبود آن باعث آسیب‌پذیری این قشر از جامعه می‌گردد. حمزه (Hamzeh, 1995) نیز پایین بودن دانش کلاسیک در خصوص فرش دستباف را از موانع پیش روی صنعت فرش دستباف عنوان کرده است.

عامل چهارم: مشکلات اجتماعی - فرهنگی

متغیرهای که در عامل چهارم قرار گرفته‌اند عبارتند از: وجود واسطه‌ها و دلانان فرش دستباف، عدم ارزش‌گذاری مناسب برای کار زنان قالبیاف، عدم وجود قوانین بازنگشتگی برای زنان قالبیاف و نامناسب بودن دیدگاه‌های فرهنگی نسبت به زنان قالبیاف. همانگونه که در جدول ۶ نیز مشخص است، مقدار ویژه این عامل برابر با ۲/۵۰۳ می‌باشد که پس از عامل اقتصادی و مالی، بهداشتی، اجتماعی - فرهنگی و آموزشی در رده چهارم قرار دارد. درصد واریانس مقدار ویژه این عامل ۷/۱۵۲ درصد است و نشان می‌دهد این عامل در مجموع ۷/۱۵۲ درصد از واریانس کل متغیرهای تحت بررسی را تبیین می‌کند.

عامل پنجم: مشکلات فردی

همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد، این عامل (مشکلات فردی) ۶/۴۸۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، به بیان دیگر، ۶/۴۸۰ درصد از مشکلات زنان قالبیاف روستایی مربوط به مشکلاتی که به خود آن‌ها بر می‌گردد. دو متغیر ضعف اعتماد به نفس در قالبیافان و تنوع مسئولیت‌ها در خانواده در این عامل قرار گرفته‌اند. زنان روستایی همواره با تنوع مسئولیت‌ها در خانواده روبه‌رو هستند که همین مسئله سبب می‌شود که آن‌ها وقت کافی برای سایر فعالیت‌ها نداشته باشند.

عامل ششم: مشکلات حمایتی

بر اساس جدول ۶ این عامل (مشکلات حمایتی) ۶/۳۳۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، به بیان ساده‌تر ۶/۳۳۵ درصد از مشکلات زنان قالیباف روستایی مربوط به عدم حمایت مسئولان از این قشر از جامعه می‌باشد. متغیرهای عدم تشویق زنان قالیباف نمونه و عدم حمایت مسئولان از قالیبافان در این عامل قرار گرفته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

ارتقای حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، و برنامه ریزی جهت گسترش مشارکت آنان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم در جهت توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیرباز و به گونه سنتی در کارهای اقتصادی خانواد مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیش‌تری برخوردار است (Noori & Ali Mohamadi, 2099). صنایع دستی بویژه قالیبافی در مناطق روستایی کشور از گذشته‌های دور به عنوان یکی از فعالیتهای اقتصادی زنان بوده و هست و بیش‌تر زنان در مناطق روستایی در زمینه قالیبافی فعالیت داشته و از این راه نقشی مهم در درآمد خانواده خود دارند. با توجه به نقش مهمی که این گروه از زنان در درآمد خانوار روستایی و حتی در اقتصاد ملی دارند، همواره با مسائل و مشکلاتی رو برو هستند که مانع از ادامه فعالیت آن‌ها می‌شود. لذا، این پژوهش با هدف شناسایی مهم‌ترین مشکلات زنان قالیباف روستایی انجام شده است که جهت رسیدن به این هدف سوالاتی در این پژوهش مطرح شد که نتایج هر یک از آن‌ها به تفکیک در زیر ارائه شده است.

در ارتباط با سوال اول پژوهش، نتایج بدست آمده نشان داد که میانگین سن زنان قالیباف در حدود ۳۹ سال با انحراف معیار ۱۱ سال می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که بیش‌تر افراد مورد مطالعه متأهل بوده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میانگین سابقه قالیبافی، قالیبافان در حدود ۱۸ سال می‌باشد. در مورد برخورداری از خدمات بیمه و دریافت وام و تسهیلات قالیبافی نتایج نشان داد که تنها تعداد کمی از زنان قالیباف روستایی استان همدان از مزایای بیمه قالیبافی برخوردار هستند.

در ارتباط با سوال دوم پژوهش، نتایج بدست آمده میزان رضایت شغلی میزان رضایت شغلی ۷۱/۷۶ درصد از زنان قالیباف در حد متوسط به بالا است، که نشان دهنده علاقه آن‌ها به حرفه قالیبافی با توجه به مسائل و مشکلات موجود است.

در ارتباط با سوال سوم پژوهش، نتایج بدست آمده از اولویت بندی مسائل و مشکلات زنان قالیباف روستایی استان همدان با ضریب تغییرات نشان داد که عوارض نامطلوب جسمی ناشی از

قالیبافی یکی از مهم‌ترین مشکلات زنان قالیباف روستایی است که با نتایج مطالعات شفیعیان (Shafiiian, 1996)، الماسی (Almasi, 2007)، کریمی ماچیان و سلطانیان (Karimi Machyany & Soltanian, 2007)، مهدوی (Mohamadi, 2007)، خواجه نصیری و ستوده (Khajenasiri & Sotoudeh, 2007)، باقیانی مقدم و همکاران (Baghianimoghadam, 2010)، شمسین (Shamssain, 1997) و وین و جیسول (Wain & Jaiswal, 2011) مطابقت دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود اقداماتی جهت کاهش این گونه عوارض جسمی برای زنان قالیباف از راه افزایش آگاهی آن‌ها از اصول بهداشتی قالیبافی، نظیر فاصله مناسب دید بافنده با دار قالی، روش درست نشستن پست دار و بهداشت کارگاههای قالیبافی از راه توزیع نشریه‌های ترویجی در بین زنان قالیباف روستایی و یا از راه برگزاری کلاس‌های آموزشی در این زمینه انجام گیرد. همچنین، با وجود مسائل و مشکلات بهداشتی و جسمی که برای این گروه از زنان روستایی وجود دارد، نتایج نشان داد تنها تعداد کمی از آن‌ها از خدمات بیمه برخوردار هستند. بنابراین، توصیه می‌شود که اقداماتی در جهت تسهیل فرایند بیمه شدن زنان قالیباف روستایی از راه سازمان‌های ذیربط انجام گیرد.

از دیدگاه افراد مورد مطالعه آموزش‌های پایین در زمینه قالیبافی یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات آن‌هاست. آموزش از نیازهای اساسی زنان و یکی از اجزای بحرانی توانمندسازی قلمداد می‌شود (Lephoto, 1995) و نقش مهمی در افزایش دانش و مهارت قالیبافان دارد لذا، توصیه می‌شود که تشکل‌ها و سازمان‌های که در این زمینه فعالیت دارند مانند تعاونی‌های فرش دستباف و اتحادیه‌های قالیبافی اقدام‌هایی در جهت برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان قالیباف بویژه در مناطق روستایی برگزار کنند تا این افراد نیز امکان شرکت در این دوره‌ها را داشته باشند. همچنین، نتایج بدست آمده نشان داد نداشتن انگیزه برای بافت فرش دستباف، ضعف اعتماد به نفس در قالیبافان و عدم دسترسی به مواد اولیه مناسب و مرغوب نیز از جمله مواردی هستند که در اولویت‌های آخر قرار دارند.

در ارتباط با سوال چهارم پژوهش، نتایج بدست آمده مشکلات زنان قالیباف روستایی براساس تحلیل عاملی به چند دسته تقسیم می‌شوند در مجموع با توجه به نتایج حاصل از تحلیل عاملی مشکلات اقتصادی و مالی از مهمترین مشکلات زنان قالیباف روستایی است. شفیعیان (Shafiiian, 1996)، الماسی (Almasi, 2007)، رضایی (Rezai, 2006)، کریمی ماچیان و سلطانیان (Karimi Machyany & Soltanian, 2007)، رستمی (Rostami, 2004)، نگی و اپدهی (Negi & Upadhyay, 2012) و بابل و همکاران (Babel et al, 2006) نیز در مطالعاتی که انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که برای قالیبافان به ویژه زنان قالیباف وجود دارد مسائل اقتصادی و مالی است که همین مسئله می‌تواند به عنوان مانعی برای فعالیت آن‌ها قلمداد

شود. هم‌چنین، مسائل بهداشتی، آموزشی، اجتماعی- فرهنگی، فردی و حمایتی از دیگر مشکلاتی هستند که زنان قالیباف با آنها مواجه هستند. که نتیجه بدست آمده با نتایج پژوهش‌های حمزه (Hamzeh, 1995) شفیعیان (Shafiiian, 1996) و رضایی (Rezai, 2006) مطابقت دارد.

یکی از اقداماتی که می‌تواند نقش مؤثری در کاهش مشکلات زنان قالیباف روستایی داشت باشد عضویت در این گونه تعاونی‌ها است. چرا که تعاونی‌ها موجب استفاده بهتر از توانایی‌های زنان قالیباف و افزایش کمیت و کیفیت تولیدات آنها شده و ضمن دادن وام‌های کم بهره به زنان روستایی و کمک به رفع نیازمندی‌های آنان موجب بهبود وضعیت زنان قالیباف روستایی و کاهش مشکلات آنها می‌شوند.

References

- 1- Almasi, A., (2007), The main component of improving rural carpet weaver woman employment Arak city, Proceedings of the Second National Seminar on Handmade Carpet Research, (Volume II), National Iranian Carpet Center, pp 759-772. (persian).
- 2- Alvani, M. & Zarghamifard, M. (2001). The role of women in development, Tadbir, No. 113, PP. 63-66. (persian).
- 3- Amini, A.M., & Ahmadi Shaporabadi, M.A., (2009), an Evaluation of Economic Self-Reliance of Rural Women and Delineation of Related Economic Factors, Women Research, 7(4), pp 7-29. (persian).
- 4- Ann Berman, K. (2006). Carpet Weavers and Weaving in the Global Market: The Case of Turkey, A Thesis Presented to the Faculty of the Graduate School of Cornell University.
- 5- Babel, S. and Gupta, P. (2006). Constraints in the Economic Development of Women Handloom Weavers of Rajasthan. Proceedings of 2nd National Extension Education Congress on Technology Application for Extension Education, held at MPUAT, Udaipur (Rajasthan) from 22-24 May, 2004.p-195.
- 6- Baghianimoghadam , MH., Aminipour, MR., Ehrampoush MH., vakili, M., Dehghani tafti, MH., Fazelpour, SH., Mosalman, H., (2010). A Survey on the Relation between Status of the Environmental Health and Health of the Carpet Workers in Rural of Mehriz-yazd Iran (2007), Toloee Behdasht, 9(2&3), pp86-96. (persian).
- 7- Dadvar Khani, F. (2007). Gender and Development, Ministry of Science , Research and Technology, Social and Cultural Studies Institute. (persian).
- 8- FAO (2007), Laub R., Najros E., Sustainable Agriculture and Rural Development Policy Brief FAO Publications, Policy Brief series available at: www.FAO.com/ Recent Releases.
- 9- Haj Mohammed Hosseini, H., & Ayatolahi, H (2005), Aesthetics of Iranian rural Carpets, Goljaam, Vol 1, pp 61-94. (persian).

- 10- Hamzeh, M (1995), Obstacles to Iranian Carpet, *Jahad Journal*, 176 & 177, pp26-28. (persian).
- 11- Hashemi, M., (1995), Socio-economic role of rural Carpet woven women, *Journal Planning Center of Agricultural Economics Special Issue: Women in Agriculture*, 3. (persian).
- 12- Karimi Machyany, S. & Soltanian, N.,(2007), Identify the needs of the art carpet industry to boost production and quality, *Proceedings of the Second National Seminar on Handmade Carpet Research, (Volume II)*, National Iranian Carpet Center. PP 709-721. (persian).
- 13- Kaur, M. and Sharma, M. L. (1991). Role of Women in Rural Development, *Journal of Rural studies*, 7(1/2), 11-16.
- 14- Khajenasiri F, Sotoudeh G, (2007). Female carpet weavers' visual acuity and effective factors: Fordu rural area of Qom, *Tehran University Medical Journal*; Vol. 65, pp54-58. (persian).
- 15- Lahsaizadeh, A., (1996), Role of women in Iran's rural economy, *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 11(1&2), pp43-65. (persian).
- 16- Lephoto, H. M. (1995). Educating Women for Impoverment in Lesotho, *Convergence (Toronto)*. (From Rural Development Abstracts, 1996, 19(2), Abstract No. 609). 28(3), 5-13.
- 17- Mahdavi, M (2001), Review and understanding of crafts (carpet weaving) in the Western Desert villages to develop and regenerate it, *Geographical Research*, Vol 41, pp 1-11. (persian).
- 18- Mohamadi, A (2007), Study Causes of drop in production of carpets in the Kamyaran and Diwandareh cities, *Proceedings of the Second National Seminar on Handmade Carpet Research, (Volume II)*, National Iranian Carpet Center, p 685. (persian).
- 19- Mohamadi, M. (2003). The capabilities of nomad women in the productive economy, *Women Research Quarterly*, Vol. 1, No. 6, PP. 109-128.
- 20- Moser, K. (1993). Gender Planning in the Third World, The role of women in development, *Tehran, Roshangran*, PP. 61-123.
- 21- Negi, T. & Upadhyay, R. (2012). Swot Analysis of Selected Entrepreneurial Activities Performed By Rural Women, *Raj. J. Extn. Edu.* NO. 20, pp 215-220.
- 22- Niazi, M & Chitsazian, A.H. (2007), The role of culture employment and work out on the carpet weaving, *Goljaam*, Vol 67, pp 61-94. (persian).
- 23- Noori S.H., Ali Mohamadi N., (2009), an analysis of rural women economical activities (case study: Baraan region Isfahan city), *Geography and Environmental Planning*, 20 (2), pp87-104. (persian).
- 24- Rezai, M. (2006), Carpet - Weavers' Job Satisfaction in East Azarbaijan and Isfahan, *Goljaam*, Vol 3, pp 25-34. (persian).
- 25- Rezai, Z. (2009). Women and Development, No. 42. PP. 57-82. (persian).

- 26- Rostami, M. (2004), The Study of the Women Employment Stituation of Mazandaran Province on the Handy - Crafts Section. (Indicator Area: Sari Township), Journal of Humanities and Social, 4 (13), pp 39-65. (persian).
- 27- Shabanali Fami, H. (1994). Theories of policy for women in the third World, Jahad, No. 169. (persian).
- 28- Shafiian, M (1996), Factors affecting the labor movement in the carpet industry in Kerman, Master's thesis. (persian).
- 29- Shamsain MH, shamsian V. (1997). A Respiratory symptoms and pulmonary function a group of women weavers in south Africa Ann Humbiol. Jul-Aug.24 (4):299-306
- 30- United Nations Population Fund, (2005). State of World Population, Gender Equality Fact Sheet.
- 31- Wani, Kh. A. & Jaiswal, Y. K. (2011). Occupational Health Risk Factors in Carpet Industry: A Review, Society of Applied Sciences, ASIAN J. EXP. BIOL. SCI. VOL. 2, No. 1, pp. 135-139.





پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني